

بررسی مزیت نسبی بخش صنعت در استان آذربایجان غربی و تاثیر آن بر توسعه مناطق مرزنشین استان

محمد اکبری گلنگدري^۱

محمد روحی کریمی^۲

تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴

چکیده

توسعه اقتصادی مناطق مرزی ایران و بهبود معیشت مرزنشینان می تواند انگیزه های گرایش به اقتصاد پنهان را کاهش دهد. در این راستا برنامه ریزی براساس مزیت های نسبی هر منطقه می تواند یکی از مؤلفه های توسعه پایدار مناطق مرزی ایران باشد. از این رو در این مقاله سعی شده است با نگاهی هرچند مختصر، جایگاه صنعتی استان آذربایجان غربی را، به عنوان موتور رشد اقتصادی منطقه به استفاده از دو روش انتقال - سهم و ضریب مکانی مزیت نسبی صنعتی استان مشخص نماید.

نتایج مطالعات نشان می دهد استان آذربایجان غربی علی رغم در اختیار داشتن بیش از ۳۳ شهرک/ ناحیه، ۳ خوشه صنعتی، یک منطقه آزاد تجاری - صنعتی تازه تاسیس و یک منطقه ویژه اقتصادی هنوز نتوانسته است به پشتوانه ظرفیت های پیدا و پنهان، آن گونه که شایسته است، جایگاه مناسبی به لحاظ صنعتی در کشور کسب نماید. نتایج مطالعات نشان دهنده وضعیت اقتصادی نسبتاً ضعیف استان است که علاوه بر سهم کوچک استان از تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد پایین تولیدات استان و سرانه اندک تولید ناخالص داخلی استان از نمودهای بارز آن است. این همه در حالی است که بخش صنعت استان دارای رقبایی در استان های همجوار و کشورهای پیرامونی است که در عین ایجاد فرصت هایی برای رشد و شکوفایی اقتصاد صنعتی استان، می توانند رقبایی تهدیدکننده نیز تلقی شوند.

تحلیل شاخص ضریب مکانی، نشان از عدم توان صادراتی بخش صنعت استان دارد؛ اما استان در چند زیر بخش دارای توان صادراتی است که عبارتند از: ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی ها، ساخت محصولاتی از توتون و تنباکو، ساخت پوشاک،

۱. کارشناس ارشد اقتصاد

۲. کارشناس ارشد مدیریت

عمل‌آوری و رنگ‌کردن خز، ساخت چوب و محصولات چوبی، ساخت سایر محصولات انی غیرفلزی، ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات، ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت و ساخت مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر.

واژگان کلیدی:

مزیت نسبی، تحلیل انتقال سهم، ضریب مکانی، جغرافیای صنعتی، رشد متوازن،

بیان مسئله

تعیین مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختار تولید بخش صنعت استان آذربایجان غربی، یکی از کلیدی‌ترین مراحل برای برنامه‌ریزی و تعیین درست راهبردهای توسعه مناطق مرزنشین محسوب می‌شود. توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین و بهبود وضعیت معیشت مرزنشینان می‌تواند بسترهای گرایش به قاچاق را کاهش و بر امنیت مرزها بیافزاید. در این راستا، مقاله حاضر می‌کوشد با ارائه تصویری اجمالی از جغرافیای صنعتی و شرایط اقتصادی استان آذربایجان غربی، از دو روش تحلیل انتقال - سهم و ضریب مکانی، مزیت‌های نسبی زیربخش‌های صنعتی استان را مشخص کرده، تحلیلی از وضعیت کنونی و در مواردی آینده‌نگری از وضعیت زیربخش‌های صنعتی استان را در آینده نزدیک ارائه دهد که نتایج آن بر راهبردهای توسعه صنعتی مناطق مرزنشین، نقش مؤثر خواهد داشت.

با بررسی اقتصاد منطقه‌ای استان مختلف مشخص می‌شود که برخی مناطق نسبت به مناطق دیگر عملکرد اقتصادی بهتری داشته و در مقایسه با میانگین کشور، رشد اقتصادی بالاتری دارند و یا برای آن‌ها رشد اقتصادی بالاتر قابل انتظار است. به نظر می‌رسد این رشد ناشی از ساختار اقتصادی مناسب‌تر، وجود مزیت ای نسبی برتر در زمینه‌های مختلف و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای کارآمدتر است. بی‌وجهی یا شناخت ناکافی استعدادها، توانایی‌ها، مزیت‌های نسبی و شاخص‌های کسب و کار هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل مناطق صورت نگیرد و به‌رغم وجود برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای، همچنان روند مطلوب توسعه منطقه، با چالش‌های اساسی مواجه باشد. بنابراین، در صورتی که عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی مناطق به درستی و

با پشتوانه نظری لازم شناسایی شوند و درک درستی از توانمندی‌ها و تنگناهای مناطق فراهم شود، می‌توان زمینه ارتقاء سطح سیاستگذاری‌های مرتبط با مناطق را فراهم نموده و در فرآیند اصولی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، توجه سرمایه‌گذاران ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را جلب و رونق اقتصادی را موجب شد. این مهم خود سبب بهبود وضعیت معیشت مرزنشینان و افزایش توسعه‌یافتگی این مناطق خواهد شد.

در این مقاله پس از مرور اجمالی کاربرد روش انتقال - سهم و ضریب مکانی در مطالعات شناخت منطقه‌ای، روش انتقال - سهم و ضریب مکانی تبیین شده و سپس با استفاده از شاخص تولید ناخالص داخلی استان، وضعیت کلی اقتصاد استان آذربایجان غربی و استان‌های همجوار آن در دوره ۱۳۷۹ - ۱۳۸۹ تصویر شده است. در ادامه جغرافیای صنعتی استان شامل شهرک‌ها و نواحی صنعتی، خوشه‌های صنعتی استان، مناطق آزاد و ویژه اقتصادی فعال در آذربایجان غربی و استان‌های همجوار بررسی شده است. در نهایت با استفاده از روش‌های ضریب مکانی و انتقال سهم ساختار صنعتی استان به دقت مورد بررسی قرار گرفته و زیربخش‌های صنعتی استان که دارای مزیت نسبی است، مشخص شده است.

پیشینه و مبانی نظری

روش گوناگونی برای تحلیل شاخص‌های منطقه‌ای وجود دارد که استفاده از آن‌ها مستلزم آمار و اطلاعات دقیق از منطقه است. یکی از این روش‌ها، تحلیل اقتصاد پایه و روش انتقال - سهم است. سیفرید^۱ (۱۹۹۶)، با استفاده از مدل انتقال - سهم، رقابت اقتصادی ایالات جنوبی آمریکا را با هم مقایسه کرده است.

موریس گروبار^۲ (۱۹۹۶)، در مقاله خود دو منطقه را که از جهت اقتصادی تقریباً یکسان هستند، بررسی می‌کند. با کمک تحلیل انتقال - سهم مشخص می‌شود که بیشترین اثر در اختلاف دو منطقه ناشی از اختلاف در ترکیب صنعتی در این دو منطقه بوده است. بر این اساس، صنایع به دو دسته صنایع پایه و محلی تقسیم و در نتیجه تحلیل‌ها روشن می‌شود که ترکیب صنعتی در منطقه‌ای رشد بهتری داشته که صنایع

1. Syfried

2. Grobar, Lisa Morris

پایه‌ای بیشتری را دارا بوده است.

لاسن (۲۰۰۲)، با استفاده از تحلیل انتقال - سهم به بررسی مناطق ونزوئلا پرداخته است. مائورس، پاستور و سرانو (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان توضیح شکاف بهره‌وری رشد در امریکا و اروپا به استفاده از روش انتقال سهم پرداخته‌اند. براساس نتایج، استراتژی کشورهای اروپایی در کاهش شکاف موجود بین آن‌ها و آمریکا باید براساس رشد بیشتر بهره‌وری از طریق صنایع‌شان باشد.

رمضان جمشیدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد (۱۳۷۸)، به تجزیه و تحلیل روند اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استان‌های مختلف ایران با استفاده از تحلیل انتقال - سهم پرداخته است. در طبقه‌بندی استان‌های ایران از جهت نرخ رشد اشتغال صنعتی طی دوره زمانی سال‌های (۱۳۷۳-۱۳۵۳) و تغییرات آن طی دوره اول (۱۳۶۳-۱۳۵۳) و دوره دوم (۱۳۷۳-۱۳۶۴)، این نتایج به دست آمد: از ۲۴ استان کشور، نرخ رشد اشتغال صنعتی در ۲۰ استان بیش از کل کشور بوده و نرخ رشد اشتغال صنعتی فقط در چهار استان کمتر از کل کشور بوده است. علاوه بر این، نرخ رشد اشتغال صنعتی در ۱۰ استان از دوره اول به دوره دوم افزایش یافته و به عبارت دیگر، اشتغال صنعتی در ۱۰ استان در حال شکوفایی بوده است. بنابر نتایج این پایان‌نامه صنایع پایه‌ای استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۵۵، صنایع غذایی و آشامیدنی، صنایع چوب و کانی‌های غیرفلزی بوده است که در سال ۱۳۷۵ به صنایع غذایی و آشامیدنی، صنایع نساجی و کانی‌های غیرفلزی تغییر کرده است. (صباغ کرمانی جمشیدی، ۱۳۸۷)

ایروانی (۱۳۸۲)، تغییرات تولید و عملکرد اقتصادی استان‌های تهران، اصفهان، خراسان، مازندران، همدان و چهارمحال و بختیاری را طی سال‌های (۱۳۷۶-۱۳۷۹) با استفاده از تحلیل انتقال سهم مورد بررسی قرار داده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رقابت‌پذیری استان‌های تهران، خراسان و همدان طی دوره مورد مطالعه افزایش داشته و در مقابل، قابلیت رقابت استان‌های اصفهان، مازندران و چهارمحال و بختیاری کاهش یافته است.

مصری‌نژاد و ترکی (۱۳۸۳)، با استفاده از تحلیل انتقال - سهم، وضعیت اشتغال بخش‌ها و گروه‌های عمده فعالیت در مناطق شهری کشور را طی دوره (۱۳۸۲-۱۳۷۲)

بررسی کردند و با بکارگیری شاخص (LQ) بخش‌های پایه‌ای را که صادرکننده نیروی شاغل بودند، مشخص کردند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که بخش‌های معدن، ساختمان، آب و برق و گاز، عمده فروشی، حمل‌ونقل و خدمات مالی از میان ده بخش عمده فعالیت شهرهای کشور، دارای اثر رقابتی و بخشی (صنعتی) مثبت هستند و پیش‌بینی می‌شود که در آینده این بخش‌ها نقش بسیار مهمی در اشتغال شهرها ایفا نمایند.

درویشی و عسگری (۱۳۸۵)، با استفاده از شاخص مکانی و روش داده‌های تابلویی به بررسی مزیت نسبی کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا و مقایسه آن با ایران طی دوره (۲۰۰۰-۱۹۸۴) پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که صنعت و مزیت نسبی در این بخش عامل اصلی رشد اقتصادی کشورهای تازه صنعتی بوده و این در حالی است که ایران نه تنها در بخش صنعت مزیت نسبی نداشته، بلکه بیشتر بر بخش کشاورزی که براساس یافته‌های تحقیق، تأثیر منفی نیز بر رشد اقتصادی داشته، متمرکز بوده است.

مهدی صادقی شاهدانی و محمد غفاری فرد (۱۳۸۸)، نشان دادند بیشتر استان‌های کشور از سهم منطقه‌ای مثبتی در بخش کشاورزی دارند و این موضوع بیان‌کننده مزیت نسبی مناطق در این بخش است. در بخش خدمات، استان‌های بوشهر، تهران، خوزستان، سمنان، فارس، مرکزی، هرمزگان و همدان ساختار صنعتی و منطقه‌ای مثبت دارند و به این دلیل که اثر انتقال کل آن‌ها بیش از اثر ملی مربوط است، فعالیت‌های خدماتی در استان‌های مذکور از بیشترین امکانات و فرصت‌ها جهت خلق ارزش افزوده برخوردار است و به عنوان محرک‌های رشد اقتصادی منطقه محسوب می‌شود. در سال ۱۳۸۳، در بیشتر استان‌ها از جمله آذربایجان غربی فعالیت‌های کشاورزی، شکار و جنگلداری، آموزش، بهداشت، ساختمان، حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات از بین فعالیت‌های پانزده‌گانه جزء فعالیت‌های پایه‌ای (صادراتی) بوده است.

لایقی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی مزیت نسبی تولید و اشتغال بخش کشاورزی استان‌های کشور، شاخص مزیت نسبی تولید و اشتغال بخش کشاورزی را با استفاده از روش ضریب مکانی برای همه استان‌های کشور مورد مطالعه قرار دادند. مشخص شد استان‌های کرمان، اردبیل و گلستان در مزیت نسبی تولید و استان‌های اردبیل، خراسان شمالی و آذربایجان غربی در مزیت نسبی اشتغال رتبه‌های

اول تا سوم را در سال‌های مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌اند. (لایقی، قاسمی، بابایی، بهمن و اسفند ۱۳۹۱)

روش تحقیق

برای بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصاد منطقه‌ای، روش‌هایی مانند مدل‌های داده ستانده، رگرسیون، تحلیل انتقال - سهم، ضریب مکانی و نظیر آن معرفی شده‌اند اما به دلیل محدودیت اطلاعات، استفاده از مدل‌های رگرسیونی و داده ستانده چندان آسان نیست، در حالی که با استفاده از مدل تحلیلی انتقال - سهم می‌توان بر پایه یک متغیر مشخص مانند ارزش افزوده برای دو دوره زمانی مشخص، رشد یک منطقه را با رشد مناطق دیگر یا رشد ملی مقایسه نمود. این مدل توسط ادگار دانجر برای تحلیل‌های منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفت. (صباغ کرمانی، جمشیدی، ۱۳۸۷) تحلیل انتقال - سهم برای بررسی آثار تجدیدساختار صنعتی بر اقتصاد منطقه مناسب بوده است و این توانایی را ایجاد می‌دهد تا با شناسایی صنایع پیشرو و کلیدی، الگوی صنعتی منطقه تدوین شود.

روش انتقال سهم این امکان را فراهم می‌سازد که رشد صنعتی منطقه به سه جزء تقسیم شود که عبارتند از: رشد ناشی از رشد ملی، رشد ناشی از ساختار (ترکیب)، فعالیت‌ها و رشد ناشی از مزایای رقابتی در فعالیت‌ها. جزء مربوط به رشد ملی، تأثیر سهم کشور را بر رشد منطقه معین می‌کند. به عبارت دیگر این جزء، درجه تغییر در رشد یک منطقه را تبیط با منطقه‌ای بزرگ‌تر است می‌سنجد. به بیان دیگر، این نوع تغییرات در حقیقت، رشد و یا رکودی است که با فرض ثبات سایر عوامل، در نتیجه تغییر و تحولات ملی به وجود آمده و یا تحت تأثیر آن قرار گرفته است. جزء ترکیب صنعتی، اثر ترکیب فعالیت‌های صنعتی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. این جزء برای تشخیص صنایعی که رشد بیشتری نسبت به کل فعالیت صنعتی کشور دارند، به کار می‌رود. اثر ترکیب صنعتی مثبت به این معنا است که زیربخش صنعتی مورد بررسی از رشد بیشتری نسبت به کل فعالیت‌های صنعتی کشور برخوردار است. بنابراین، مؤلفه ترکیب صنعتی به نحوه عملکرد هر زیربخش صنعتی در سطح ملی در مقایسه با عملکرد کلی صنعتی کشور بستگی دارد.

اثر سهم رقابتی، به رشد ناشی از ویژگی‌های منطقه یا استان مربوط است. این ویژگی‌ها

مربوط به امتیازهای ویژه هر استان، شامل خصوصیات جغرافیایی، منابع طبیعی و موقعیت سیاسی اقتصادی است. این جزء به نحوی قدرت رقابت بهتر و یا امتیازات مکانی بهتر یک منطقه را نسبت به کل کشور نشان می‌دهد. این جزء می‌تواند به تصمیم‌گیران منطقه‌ای برای تشخیص صنایعی که منطقه در آن‌ها مزیت دارد و تشخیص این موضوع که آیا مزیت رقابتی منطقه در مسیر رشد اقتصاد منطقه حرکت می‌کند یا خیر، کمک کند. یک سهم رقابتی مثبت بیان‌کننده مزیت نسبی منطقه در یک زیربخش صنعتی است.

یک سهم رقابتی مثبت همراه با ترکیب صنعتی مثبت در یک زیربخش صنعتی، بیان‌کننده این مطلب است که مزیت نسبی بالقوه در رشد آن زیربخش، در راستای رشد بالای آن زیربخش در سطح ملی است. به عبارت دیگر، مزیت نسبی منطقه در راستای رشد ملی است که این هم‌افزایی می‌تواند سبب رشد سریع‌تر در آن زیربخش صنعتی شود. یک سهم رقابتی منفی در یک زیربخش همراه با ترکیب صنعتی مثبت در همان زیربخش، بیان‌کننده آن است که منطقه در حال از دست دادن مزیت نسبی‌اش در زیربخشی است که در سطح ملی از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، ممکن است چشم‌انداز بلندمدت زیربخش صنعتی با سهم رقابتی منفی، کاهش نقش آن زیربخش در سطح ملی باشد. روابط زیر، نحوه محاسبه انتقال سهم را نشان می‌دهند: (صباغ کرمانی، جمشیدی، ۱۳۸۷)

$$NS_i = e_i^{t-1} \left(\frac{E^t}{E^{t-1}} - 1 \right) \quad \text{۱. سهم ملی}^1$$

$$IM_i = e_i^{t-1} \left(\frac{E_i^t}{E_i^{t-1}} - \frac{E^t}{E^{t-1}} \right) \quad \text{۲. ساختار صنعتی}^2$$

$$RS_i = e_i^{t-1} \left(\frac{e}{e-1} - \frac{E}{E-1} \right) \quad \text{۳. سهم منطقه (رقابتی)}^3$$

TS NS IM RS

1. National Share
2. Industrial Mix
3. Regional Share

۴. انتقال کل^۱:

$$TS_i = NS_i + IM_i + RS_i$$

ارزش افزوده بخش استان در بخش مورد نظر، ارزش افزوده کل کشور در بخش که در آن e ارزش افزوده بخش استان در بخش مورد نظر، E ارزش افزوده کل کشور در بخش مورد نظر و t سال مورد بررسی است.

پژوهشگران اقتصاد منطقه‌ای از روش‌های مختلفی برای تعیین مزیت نسبی مناطق استفاده می‌کنند که یکی دیگر از مهم‌ترین روش‌ها علاوه بر روش انتقال - سهم، روش ضریب مکانی است. در مطالعه حاضر برای تعیین و شناسایی فعالیت‌های پایه‌ای استان از ضریب مکانی^۲ استفاده شده است. از این شاخص برای شناسایی بخش‌های پایه و غیرپایه در استان‌ها استفاده می‌شود. ضریب مذکور از تقسیم سهم تولید منطقه در بخش آم از بید منطقه بر سهم تولید کشور در بخش آم از کل تولید کشور به دست می‌آید. ضریب مکانی به عبارتی تولید هر بخش در منطقه به سهم کل تولید در کشور است. در صورتی که نسبت بزرگ‌تر از یک باشد، آن فعالیت پایه‌ای محسوب می‌شود و منجر به صدور کالا یا خدمات در آن بخش می‌شود. در صورتی که LQ کوچک‌تر از یک باشد، آن فعالیت غیرپایه است؛ به نحوی که فعالیت‌های اقتصادی آن بخش دارای بازار داخلی بوده و کالا و خدمات تولیدی آن بخش برای مصارف داخلی منطقه است و در حقیقت به عنوان یک پشتیبان و حمایت کننده برای فعالیت‌های پایه عمل می‌کند.

بررسی مزیت نسبی و تحلیل ساختار تولید بخش صنعت در استان آذربایجان غربی

در این قسمت به منظور بررسی مزیت نسبی و تحلیل ساختار تولید بخش صنعت در استان، ابتدا جغرافیای صنعتی استان شامل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی استان و پیرامون آن و همچنین شهرک‌ها، نواحی و خوشه‌های صنعتی استان به اجمال معرفی خواهد شد. سپس با استفاده از داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی استان و ارزش افزوده بخش صنعت، وضعیت اقتصادی استان آذربایجان غربی به اجمال بررسی شده و در برخی از شاخص‌ها با دیگر استان‌های کشور مورد مقایسه قرار گرفته است. در نهایت نیز ساختار

1. Total Share

2. Location Quotient

تولید صنعتی استان با استفاده از روش انتقال - سهم مورد مذاقه قرار گرفته و مزیت نسبی تولیدات صنعتی استان نیز با استفاده از شاخص ضریب مکانی مشخص شده است.

اقتصاد استان در یک نگاه

استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۹ با تأمین ۱,۸۷ درصد تولید ناخالص داخلی کشور، در میان ۳۰ استان، رتبه ۱۳ را به خود اختصاص داده است. این استان با متوسط رشد ۵,۰۷ درصدی تولید ناخالص داخلی اش به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳، در میان استان‌های کشور رتبه ۲۶ را کسب کرده است. بدیهی است این امر نشانگر متوسط رشد پایین استان در مقایسه با دیگر استان‌های کشور است. در حالی که آمار دقیقی از وضعیت مناطق مرزی استان در دست نیست ولی نبود مراکز صنعتی در مناطق مرز نشین و وضعیت نامساعد کشاورزی در سال‌های اخیر، می‌تواند گویای رشد به مراتب پایین‌تر اقتصادی در مناطق مرزی استان باشد.

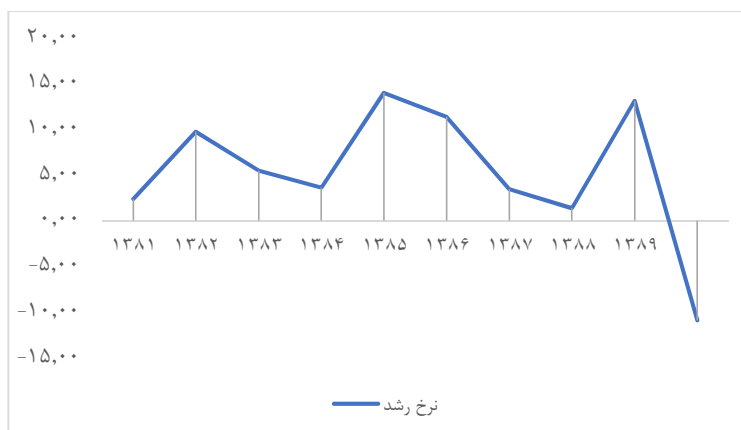
جدول ۱: تولید ناخالص داخلی استان آذربایجان غربی (هزار میلیارد ریال - میلیون

ریال - درصد)

شرح	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
GDPR	۲۳,۷۴	۲۴,۳۱	۲۶,۹۲	۲۸,۴۶	۲۹,۵۲	۳۴,۳۱	۳۸,۶۷	۴۰,۰۳	۴۰,۵۷	۴۶,۶۶	۴۲,۰۷
سرانه	۸,۹۷	۹,۰۵	۹,۸۹	۱۰,۳۲	۱۰,۵۶	۱۲,۱۱	۱۳,۴۶	۱۳,۷۶	۱۳,۷۸	۱۵,۶۶	۱۳,۸۵
سهم از GDP	۲,۲۲	۲,۱۶	۲,۰۹	۲,۰۵	۱,۹۰	۱,۹۲	۱,۹۷	۱,۸۲	۱,۸۷	۲,۱۷	۱,۸۷
نرخ رشد	-	۲,۳۲	۹,۶۹	۵,۴۲	۳,۵۷	۱۳,۹۶	۱۱,۲۹	۳,۳۹	۱,۳۳	۱۳,۰۶	-۱۰,۹۲

مأخذ: حساب‌های منطقه‌ای، مرکز آمار ایران ۱۳۷۹-۱۳۸۹

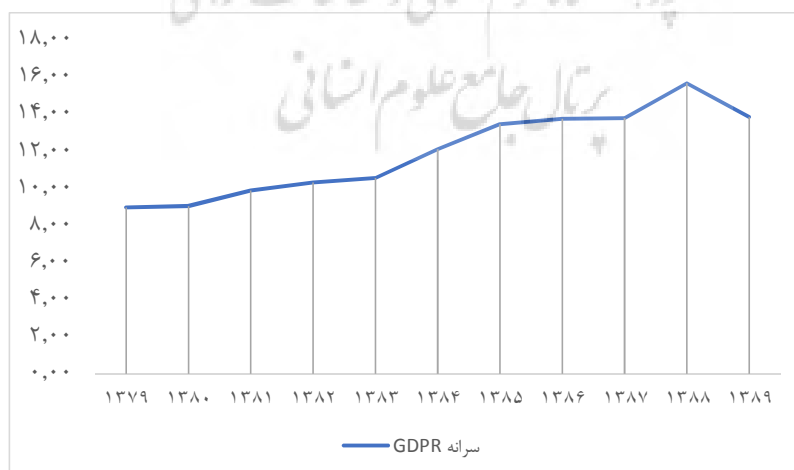
نمودار ۱: روند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی استان آذربایجان غربی (درصد)



مأخذ: داده ای جدول ۱: تولید ناخالص داخلی استان آذربایجان غربی (هزار میلیارد ریال - میلیون ریال - درصد)

نوسان شدید نمودار بالا نشان از عدم اجرای برنامه‌های اثربخش اقتصادی و پیگیری آن دارد. عدم برنامه‌ریزی مؤثر و کارآمد یکی از دلایل فرار سرمایه‌ها از منطقه محسوب می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاران نیازمند فضایی قابل پیش‌بینی برای آینده سرمایه‌های خود هستند و چنانچه منطقه‌ای با نوسانات شدید اقتصادی مواجه باشد، سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز، از ورود و سرمایه‌گذاری در آن اجراز خواهند کرد.

نمودار ۲: روند سرانه تولید ناخالص داخلی استان آذربایجان غربی (میلیون ریال)



منبع: داده‌های جدول ۱: تولید ناخالص داخلی استان آذربایجان غربی (هزار میلیارد ریال - میلیون ریال - درصد)

همچنین داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی استان در دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵، حدود ۱۱,۹۵ میلیون ریال است که از متوسط سرانه کشور (۲۴,۵۹ میلیون ریال) در همین بازه زمانی بسیار کمتر بوده و در میان استان‌های کشور نیز در رتبه ۲۷ قرار گرفته است. گرچه این روند در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ صعودی بوده ولی در سال ۱۳۸۹، روندی نزولی به خود گرفته است که وجود تحریم‌های بین‌المللی و رکود اقتصادی کشور که بخش ترانزیت کالا را متأثر کرده است، می‌تواند از دلایل آن باشد. به طور کلی سرانه کمتر به معنای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کمتر نیز است. چنین مناطقی بیشتر نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی هستند، بنابراین یکی از راهبردهای توسعه منطقه جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود.

جدول ۲: مقایسه تعدادی از شاخص‌های اقتصادی استان آذربایجان غربی با استان‌های همسایه آن (هزار میلیارد ریال - میلیون ریال - درصد)

شرح	متوسط GDP	متوسط سرانه GDP	متوسط سهم از GDP	متوسط نرخ رشد GDP
آذربایجان شرقی	۶۲,۴	۱۷,۴۱	۳,۶۷	۵,۶۴
آذربایجان غربی	۳۴,۱۱	۱۱,۹۵	۲	۵,۰۷
زنجان	۱۴,۷۸	۱۵,۳۴	۰,۸۶	۶,۶۶
کردستان	۱۶,۱۸	۱۱,۲۷	۰,۹۴	۶,۸۸

منبع: حساب‌های منطقه‌ای، مرکز آمار ایران ۱۳۷۹-۱۳۸۹

جدول بالا نشان می‌دهد سرانه استان‌های همجوار با آذربایجان غربی نیز از متوسط کشوری پایین‌تر است و علاوه بر آن نرخ رشد حقیقی تولیدات این استان‌ها از متوسط کشور (۶,۹۹ درصد) کمتر برآورد می‌شود. همچنین متوسط سهم هر چهار استان از تولید ناخالص داخلی کشور کمتر از ۱۰ درصد است که نشان از سهم کم این استان‌ها از اقتصاد ایران دارد. جدول زیر تصویر دقیق‌تری از وضعیت صنعتی استان و همسایگان آن ارائه می‌دهد.

جدول ۳: برخی شاخص‌های صنعتی استان آذربایجان غربی و همسایگان آن

شرح	تولید بخش صنعت	رتبه تولید صنعتی سال ۱۳۸۹	متوسط نرخ رشد بخش صنعت	سهم از بخش صنعت کشور
آذربایجان شرقی	۱۴,۳۹	۴	-۱,۳۱	۵,۰۳
آذربایجان غربی	۳,۸	۱۸	-۰,۶۹	۱,۳۳
زنجان	۳,۸۳	۱۷	۲,۷۶	۱,۳۴
کردستان	۱,۲۶	۲۷	۱,۴۶	۰,۴۴

منبع: حساب‌های منطقه‌ای، مرکز آمار ایران ۱۳۸۵-۱۳۸۹

داده ای جدول گویای فاصله زیاد صنعتی استان‌های آذربایجان شرقی و غربی است. همچنین گرچه استان زنجان به لحاظ تولید صنعتی بسیار نزدیک به آذربایجان غربی قرار دارد و نرخ رشد صنعتی بالای این استان نشان می‌دهد در سال‌های آینده این فاصله بیشتر خواهد شد، لازم به ذکر است رتبه استان زنجان از نظر متوسط نرخ رشد صنعتی در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ در میان استان‌های کشور ۱۰ است و این در حالی است که آذربایجان غربی در جایگاه ۲۳ام ایستاده است. استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و کردستان، استان‌های مرزی هستند که هر یک دارای مزیت‌هایی به منظور جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی هستند. استان آذربایجان غربی با وجود منطقه آزاد ماکو و مرز بازرگان می‌تواند سرمایه‌های مناسب داخلی و خارجی را به منظور توسعه بخش‌های مرزنشین خود جلب نماید.

در مجموع مطالب بیان شده نشانگر وضعیت اقتصادی ضعیف در استان است که علاوه بر سهم کوچک استان از تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد پایین تولیدات استان و سرانه اندک تولید ناخالص داخلی استان از نشانه‌های آن است.

جغرافیای صنعتی استان

هدف از ترسیم جغرافیای صنعتی استان، مشخص شدن اصلی‌ترین مراکز صنعتی استان شامل شهرک‌ها و نواحی صنعتی، خوشه‌های صنعتی و مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در استان و پیرامون آن است. استان آذربایجان غربی با دارا بودن سه خوشه صنعتی در ارومیه و ۳۳ شهرک/ ناحیه صنعتی در استان تنها موفق به جذب ۱۴۱۳۵,۲ میلیارد

ریال سرمایه در زمینه تأسیس فعالیت‌های صنعتی جدید در استان شده است که از این حیث در میان ۳۰ استان کشور در رتبه ۲۵ قرار گرفته است. (آمار صنایع کشور، ۱۳۹۲) جدول زیر شهرک/ناحیه‌های صنعتی استان آذربایجان غربی که معاف از مالیات هستند را مشخص می‌کند.

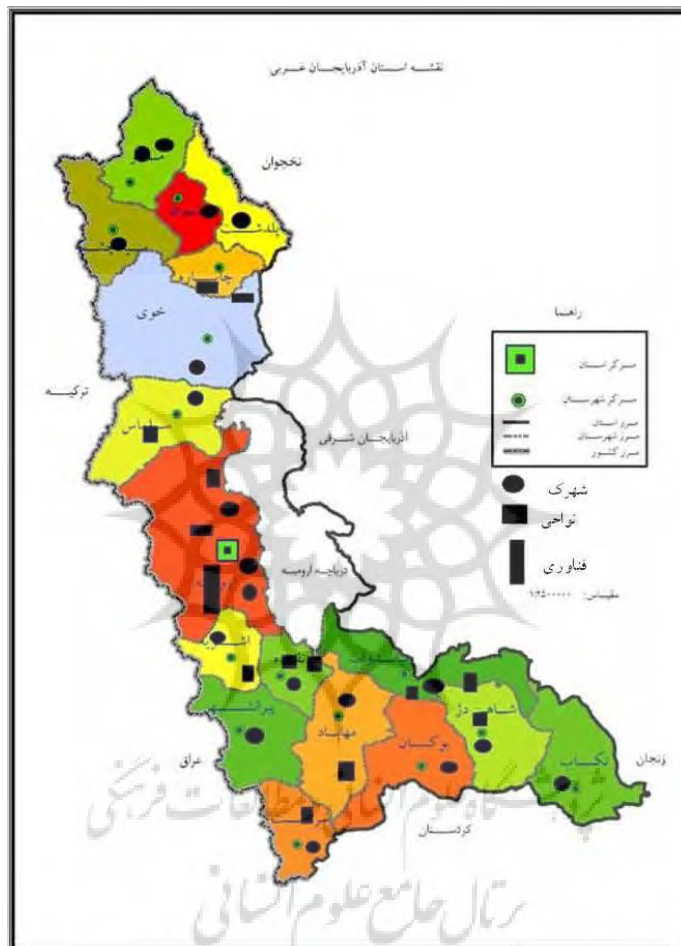
جدول ۴: شهرک‌ها و نواحی صنعتی معاف از مالیات استان آذربایجان غربی

ردیف	شهرک / ناحیه صنعتی	ردیف	شهرک / ناحیه صنعتی
۱	اشنویه	۷	سردشت
۲	بوکان	۸	شاهین‌دژ
۳	پلدشت	۹	شوط
۴	پیرانشهر	۱۰	خلیفان مهاباد
۵	تکاب	۱۱	مهاباد
۶	چالدران	۱۲	باروق میان‌دواب

منبع: فهرست شهرک‌ها و نواحی صنعتی، ۱۳۸۹

استان آذربایجان غربی دارای سه خوشه صنعتی به شرح زیر بوده که در شهر ارومیه قرار گرفته است: فرآوری و بسته‌بندی میوه‌های درختی، عرقیات گیاهی و فرآوری سنگ. تمرکز خوشه‌ها و شهرک‌های صنعتی استان در مرکز، تأثیر بسیار اندکی بر مناطق مرزنشین استان خواهد داشت. همان‌گونه که اشاره شد، این مراکز تاکنون نتوانسته‌اند نقش قابل ملاحظه‌ای در زمینه بهبود زمینه‌های جلب و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی ایفا نمایند. بنابراین نباید انتظار داشت این مراکز سبب توسعه صنعتی در استان و به‌ویژه مناطق مرزنشین شود. یکی از اصلی‌ترین مشکلات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در ایران عدم سرمایه‌گذاری مناسب در بخش زیرساخت‌هاست. گرچه این بخش‌ها در استان معاف از مالیات محسوب می‌شوند، ولی نبود زیرساخت‌های لازم سبب شده است تا بستر لازم به منظور سرمایه‌گذاری بخش صنعت رخ ندهد.

نقشه زیر نیز موقعیت مکانی شهرک‌ها و نواحی صنعتی و شهرک صنعتی فناوری الکترونیک ارومیه را مشخص می‌کند:



منبع: فهرست شهرک‌ها و نواحی صنعتی، ۱۳۸۹

از دیگر نواحی صنعتی مهم می‌توان به منطقه آزاد ماکو و منطقه ویژه اقتصادی سلماس در استان آذربایجان غربی اشاره نمود. بنابر ماده ۵ اساسنامه سازمان منطقه آزاد ماکو که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۸۹ تصویب شده است، اهداف سازمان مطابق ماده ۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشور انجام امور زیربنایی، عمرانی و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازارکار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و

تبدیلی و ارائه خدمات عمومی را شامل می‌شود. همچنین منطقه ویژه اقتصادی سلماس نیز با رویکرد اصلی صنایع تبدیلی و بسته‌بندی در سال ۱۳۹۰، تشکیل شده است. به نظر می‌رسد این دو منطقه در آینده صنعتی و تجاری استان نقش بسزایی خواهند داشت.

همان‌گونه که در نقشه ۲ قابل مشاهده است، نزدیک‌ترین مناطق آزاد به استان آذربایجان غربی، مناطق آزاد ارس و انزلی است که به لحاظ هدف هم‌راستا با منطقه آزاد ماکو می‌باشند و این امر می‌تواند سبب ایجاد رقابت در منطقه شود و چنانچه منطقه آزاد ماکو راهبرد مناسبی را برای جلب سرمایه‌گذاری انتخاب نماید، می‌تواند از فرصت‌های حضور این دو منطقه آزاد نیز بهره‌مند شود.

منطقه ویژه اقتصادی مهران و نمین به ترتیب در استان ایلام و استان اردبیل گرایش تجاری - صنعتی داشته و بنابر آنچه بیان شد، می‌توانند علاوه بر رقابت در جذب سرمایه‌گذاری‌های منطقه، فرصت‌هایی را نیز در اختیار بخش صنعت استان آذربایجان قرار دهند؛ به طور مثال ایجاد صنایع تکمیلی و مکمل در شهرک‌های صنعتی استان می‌تواند یکی از این فرصت‌ها باشد.

نقشه ۲: نقشه پراکندگی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در کشور با تأکید بر موقعیت استان آذربایجان غربی



تجزیه و تحلیل وضعیت تولیدات صنعتی آذربایجان غربی با استفاده از روش انتقال - سهم

در این قسمت تجزیه و تحلیل وضعیت تولیدات صنعتی استان از روش انتقال - سهم و با استفاده از داده‌های حساب‌های منطقه‌ای که توسط مرکز آمار ایران ارائه می‌شود، برای دوره زمانی سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹، انجام شده است. در این مقاله با استفاده از شاخص بهای تولیدکننده که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است، ارزش افزوده تولیدات استان به قیمت ثابت ۱۳۸۳ محاسبه و منظور شده است. جدول زیر نتایج محاسبات را نشان می‌دهد.

جدول ۵: مقایسه رشد ارزش افزوده زیربخش‌های بخش صنعت آذربایجان غربی به تفکیک اثر ملی، ترکیب صنعتی و منطقه‌ای طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ (میلیون ریال)

شرح	۲۳NS	IM۲۴	RS۲۵	TS۲۶
ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها	۲۳۹۱۹۳	۲۵۴۱۵۸۳	-۹۱۵۰۰۴	۱۸۶۵۷۷۲
ساخت محصولات از توتون و تنباکو	۱۸۱۴۰۹۵	۱۷۲۸۵۰۷	۳۱۴۶۰۶۲	۲۲۲۴۷۰۳
ساخت منسوجات	۳۸۷۹۴۰۵	-۵۵۶۱۷	-۷۹۶۴۵	-۹۶۴۶۷
ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ‌کردن خز	۸۶۴۳۰۷۲	-۶۹۹۳۰۶	-۱۳۴۰۰	-۱۱۷۵۰
دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی	۱۱۶۰۰۹۵	۱۷۸۳۰۹۹	-۵۴۹۰۵۵	۲۳۹۵۰۳۸
ساخت چوب و محصولات چوبی	۱۸۴۳۹۰۱	۶۳۸۶۴۰۷	۲۳۹۴۴۰۷	۱۰۶۲۴۹
ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	۸۵۲۰۹۱۵	۱۷۳۸۰۹۲	۲۹۲۷۵۰۷	۳۱۸۶۷۰۵
انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	۲۰۴۶۰۱۳	۵۸۷۸۰۱۳	۴۸۶۰۰۰۸	۱۲۷۸۴۰۳
ساخت کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای	۵۴۱۰۲۳۳	۸۲۰۵۰۸۵	-۱۰۴۶۹	-۱۷۲۲
ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی	۶۶۷۹۰۱۳	۷۴۹۹۴۰۴	۱۱۲۵۹۰۴	۹۲۸۸۷۰۹
ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک	۱۳۲۸۹۰۲	۷۰۱۲۲۰۹	-۵۷۰۳۲	۲۶۳۷۹۰۷
ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی	۹۳۷۷۷۰۱	۸۸۵۳۲۵	-۲۰۳۰۷۳	۷۷۶۰۳۰
ساخت فلزات اساسی	۴۰۲۳۰۷۸	۱۳۴۹۷۰۱	-۱۶۱۰۱۵	۱۷۳۵۹۰۸
ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۳۲۵۳۴۰۷	۱۶۲۰۴۷	-۲۰۰۲۵	۱۷۴۵۵۷
ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۱۷۲۸۳۰۱	۱۰۱۸۲۳	-۸۹۲۲۱	۲۹۸۸۴۰۵
ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی
ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۶۳۱۸۰۷۵	۵۵۳۸۸۰۶	-۴۵۳۲۷	۱۶۳۸۰۰۲
ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	۰۰۰۸۱۶۴۹	۰۰۰۳۸۴۹	۰۰۰۵۳۱۲	۰۰۰۹۹۶
ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت	۳۴۶۹۰۰۴	۵۳۸۱۸	-۲۲۲۰۵	۳۸۶۴۵۰۹
ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر	۵۳۵۷۰۱	۴۲۵۵۲۰۹	۱۰۶۲۳۴	۱۵۴۱۴۴
ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل	۲۱۶۰۲۸۵	-۶۳۱۰۳۷	۶۳۳۰۳۲	۲۱۷۰۹۴۶
ساخت میلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۱۷۱۹۲۰۹	۷۶۹۱۲۰۵	-۴۲۰۱۶	۸۹۹۰۳۰۸
بازیافت	۳۵۸۰۷۳۹	۱۰۸۷۴۰۲	-۷۸۲۰۴۳	۱۰۴۵۰۰۵

از آنجا که رشد تولیدات کشور در بازه زمانی مورد بررسی مثبت بوده است، بنابراین انتظار می‌رود که رشد اثر ملی در تولید استان مثبت باشد، این انتظار با توجه به مثبت بودن تمامی خانه‌های ستون اثر ملی محقق شده است.

اثر ترکیب صنعتی به استثناء زیربخش‌های پوشاک، منسوجات، ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی و سایر تجهیزات حمل و نقل، مثبت است. این بدان معناست که ترکیب صنعتی کشور در زیربخش‌هایی که اثر ترکیب صنعتی مثبت است، تأثیر افزایشی بر تولیدات استان دارد. در دیگر موارد نیز تأثیر ترکیب صنعتی کشور بر روی زیربخش‌ها با ترکیب صنعتی منفی، کاهنده است. بنابراین انتظار می‌رود در سال‌های آینده زیربخش‌های پوشاک، منسوجات، ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی و سایر تجهیزات حمل و نقل بیش از گذشته روندی کاهشی را طی نمایند.

اثر منطقه‌ای مثبت به معنای مزیت نسبی استان نسبت به کشور در زیربخش صنعتی مورد بررسی است. اثر منطقه‌ای منفی نیز حکایت از پیشی گرفتن دیگر نقاط کشور از استان در زیربخش مورد مطالعه دارد. بنابراین می‌توان گفت استان آذربایجان غربی در ساخت محصولات از توتون و نباکو، ساخت چوب و محصولات چوبی، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی، انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده، ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی، ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر و ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل دارای مزیت نسبی نسبت به دیگر نقاط کشور است.

استان در زیربخش‌های پوشاک، منسوجات و ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی هم دارای اثر ترکیب صنعتی منفی و هم دارای اثر منطقه‌ای منفی است. به این بخش‌ها اصطلاحاً بخش‌های بازنده اقتصادی می‌گویند و انتظار می‌رود در سال‌های آینده رشد این زیربخش‌ها دچار رکود شود.

در نهایت برآیند آثار ملی، ترکیب صنعتی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که استان به استثناء زیربخش‌های پوشاک، منسوجات، ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی و ساخت کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای، در دیگر زیربخش‌های صنعتی چنانچه با برنامه‌ریزی مناسبی همراه شود، می‌تواند انتظار رشد متوازن را داشته باشد.

بررسی مزیت نسبی زیربخش‌های صنعتی استان آذربایجان غربی با استفاده از شاخص ضریب مکانی

در این قسمت مزیت نسبی زیربخش‌های صنعتی استان با استفاده از داده‌های حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران و در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ محاسبه و بررسی شده است. جدول زیر نتایج این محاسبات را نشان می‌دهد.

جدول ۶: شاخص ضریب مکانی زیربخش‌های صنعتی استان آذربایجان غربی ۱۳۸۵-

۱۳۸۹

۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	شرح
۰,۷۱	۰,۶۷	۰,۷۵	۰,۸۰	۰,۷۵	صنعت
۳,۷۴	۳,۱۸	۳,۹۱	۴,۱۵	۴,۱۱	ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها
۱,۳۰	۱,۲۷	۱,۲۶	۱,۲۲	۱,۱۹	ساخت محصولات از توتون و تنباکو
۰,۹۶	۱,۲۲	۱,۲۲	۱,۲۷	۱,۲۷	ساخت منسوجات
۱,۴۳	۱,۴۲	۱,۶۴	۱,۶۳	۱,۷۲	ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ‌کردن خز
۰,۳۶	۰,۳۰	۰,۳۸	۰,۳۸	۰,۳۷	دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی
۲,۶۰	۲,۳۹	۲,۴۴	۲,۴۵	۲,۳۷	ساخت چوب و محصولات چوبی
۰,۷۷	۰,۵۴	۰,۴۳	۰,۴۱	۰,۲۰	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی
۰,۷۸	۰,۷۴	۰,۷۸	۰,۷۴	۰,۶۶	انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱	ساخت کک، فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای
۰,۱۲	۰,۱۱	۰,۱۳	۰,۱۲	۰,۱۱	ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی
۰,۷۱	۰,۵۷	۰,۹۹	۱,۱۲	۰,۹۹	ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک
۱,۸۰	۲,۶۱	۱,۷۸	۲,۱۰	۲,۰۳	ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی
۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۱۶	۰,۰۷	۰,۰۶	ساخت فلزات اساسی
۱,۰۵	۱,۰۸	۱,۱۸	۱,۱۸	۱,۰۹	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات
۰,۴۳	۰,۴۶	۰,۶۰	۰,۴۷	۰,۶۲	ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	ساخت ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی
۰,۲۸	۰,۲۶	۰,۳۴	۰,۳۶	۰,۴۶	ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی
۱,۱۹	۱,۳۲	۱,۳۱	۱,۵۲	۱,۵۷	ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت
۰,۱۹	۰,۱۴	۰,۱۴	۰,۰۹	۰,۰۹	ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر
۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۴	۰,۰۳	ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل
۱,۰۱	۱,۰۶	۱,۰۲	۱,۰۸	۱,۰۳	ساخت مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر
۰,۷۳	۰,۷۱	۰,۷۵	۰,۷۸	۰,۷۷	بازافت

منبع: نتایج تحقیق

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، به دلیل آن که ضریب مکانی بخش

صنعت استان آذربایجان غربی در سال ای مورد بررسی همواره کمتر از ۱ بوده است، صنعت یک فعالیت پایه در استان نیست. این بدان معناست که استان یک صادرکننده محصولات صنعتی محسوب نمی‌شود اما در تعدادی از زیربخش‌های صنعتی ظرفیت صادراتی دیده می‌شود. این زیربخش‌ها در جدول مشخص شده است. استان آذربایجان غربی در ۸ زیربخش دارای توان صادراتی است که عبارتند از:

۱. ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها؛
۲. ساخت محصولات از توتون و نباکو؛
۳. ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ کردن خز؛
۴. ساخت چوب و محصولات چوبی؛
۵. ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی؛
۶. ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات؛
۷. ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت؛
۸. ساخت مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر.

همان‌طور که در قسمت قبل پیش‌بینی شده بود، زیربخش‌های منسوجات و پوشاک در آینده با رکود مواجه خواهند شد، این امر در جدول بالا نیز به نوعی مشاهده می‌شود؛ زیرا زیربخش منسوجات در سال ۱۳۸۹ توان صادراتی خود را از دست داده و این در حالی است که تا قبل از آن جزء فعالیت‌های پایه‌ای استان قرار داشت. همچنین زیربخش پوشاک نیز در حال طی کردن روندی نزولی است و پیش‌بینی می‌شود به زودی توان صادراتی این زیربخش نیز از بین برود.

جمع‌بندی و پیشنهادات

استان آذربایجان غربی یکی از استان‌های مرزی کشور است که با سه کشور جمهوری خودمختار نخجوان، ترکیه و عراق، دارای مرز مشترک است. اتخاذ راهبردهای مناسب به منظور توسعه استان و به ویژه مناطق مرزی آن می‌تواند علاوه بر ایجاد ثبات و آرامش در مرزهای استان، از گرایش جمعیت مرزنشین به قاچاق کالا بکاهد. در این مقاله با بررسی

وضعیت بخش صنعت استان نتایج زیر حاصل شد:

تحلیل انتقال - سهم نشان از اثر مثبت رشد صنعتی کشور بر همه زیربخش‌های صنعتی استان دارد، ولی اثر ترکیب صنعتی کشور بر روی زیربخش‌هایی مانند پوشاک، منسوجات، ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی و سایر تجهیزات حمل و نقل در استان اثر کاهنده خواهد داشت. همچنین ۱۵ زیربخش صنعتی استان در رقابت با تولیدات صنعتی کل کشور در همان زیربخش مزیت نسبی تولید را ندارد؛ اما این استان در ساخت محصولاتی از توتون و تنباکو، ساخت چوب و محصولات چوبی، ساخت کاغذ و محصولات کاغذی، انتشار، چاپ و کثیر رسانه‌های ضبط شده، ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی، ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر و ساخت سایر تجهیزات حمل‌ونقل دارای مزیت نسبی نسبت به دیگر نقاط کشور است. مجموع برآیند آثار ملی، ترکیب صنعتی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که استان به استثناء زیربخش‌های پوشاک، منسوجات، ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی و ساخت کک، فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای، در دیگر زیربخش‌های صنعتی چنانچه با برنامه‌ریزی مناسبی همراه شود، می‌تواند انتظار رشد متوازن را داشته باشد.

همچنین تحلیل شاخص ضریب مکانی نشان از عدم توان صادراتی بخش صنعت استان دارد، اما استان در ۸ زیربخش دارای توان صادراتی است که عبارتند از: ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، ساخت محصولاتی از توتون و تنباکو، ساخت پوشاک، عمل‌آوری و رنگ‌کردن خز، ساخت چوب و محصولات چوبی، ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی، ساخت محصولات فلزی فابری بجز ماشین‌آلات و تجهیزات، ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت و ساخت مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر.

بنابراین یافته‌ها پیشنهاد می‌شود:

- سرمایه‌گذاری بخش دولتی معطوف به اصلاح و گسترش زیرساخت‌ها به ویژه در زمینه حمل و نقل شود.

- در زیربخش‌های صنعتی که بنابر مقاله حاضر استان دارای مزیت نسبی است، بازاریابی مناسب در داخل و خارج کشور صورت گیرد.

- برخی از زیربخش‌های صنعتی در استان مانند منسوجات و پوشاک که در سال ای اخیر مزیت نسبی خود را از دست داده‌اند، با جذب سرمایه‌گذاران خارجی، تغییر شیوه‌های مدیریت و به کارگیری فن‌آوری‌های نوین امکان‌بازیابی خواهند داشت. سعی شود با انجام مطالعات کارشناسی شیوه برون‌رفت از وضعیت فعلی مشخص و براساس آن رفتار شود.

منابع

- آمار صنایع کشور، (۱۳۹۲، تیر). بازیابی از سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران: <http://isipo.i>
- صادقی شاهدانی، م.، غفاری فرد، م. (۱۳۸۸). بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری تولید ناخالص داخلی در استان‌های کشور. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ص ۱۱۵-۱۳۶.
- فهرست شهرک‌ها و نواحی صنعتی. (۱۳۸۹، تیر). بازیابی از شرکت شهرک ای صنعتی استان آذربایجان غربی: <http://www.waiec.i>
- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۹-۱۳۸۹). حساب‌های منطقه‌ای. تهران: مرکز آمار ایران.
- مهرگان، ن، موسائی، م، رضایی، ر. (۱۳۸۹). تحولات اشتغال زنان در ایران با استفاده از تحلیل انتقال - سهم. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴۰، صص ۹۳-۱۰۵.